

دکتر سیدحسین حسینی ابری

دانشگاه اصفهان

شماره مقاله: ۳۲۸

تجارب آبخیزداری در محرومیت‌زدایی بشاگرد*

Dr. S. H. Hosseini Abari

University of Esfahan

Watershed management and rural development in Bashagard

Bashagard is the most undeveloped area in Iran. It was believed that the cause of the underdevelopment in the region has been the inter action between the type of precipitation, flood, and the structure of the soil in the area. In other words, the cause of underdevelopment of the area is the nature of the area. Therefor the development in the area should be based on the flood control and watershed management. The aim of flood control and watershed management in Bashagard not only follows the academic and normal way of the control of soil erosion and the general ecosystem, also should have supply food, occupation, water for irrigation, land for cultivation, fodder for their animals, skill for managing their environment, etc.

The author has been one of the university stuffs who was helping the local people in this way during 10 years. This article says the aims, methods, aids, sources of loans, and the way of its developing, the branches of rural development caused by the corporation of watershed management in Bashagard during the experience.

* اکثر مردم ایران، منطقه بشاگرد واقع در استان هرمزگان (شهرستان میناب و جاسک) را به عنوان محروم‌مانده‌ترین مناطق کشور ما، کم و بیش می‌شناسند. نگارنده طی مدت ده سال رفت و آمد در منطقه، از طریق

مقدمه

محرومیت در محافل علمی گاهی به توسعه نیافتگی تعبیر می‌شود و آن را فقدان یا کمبود بعضی از امکانات معیشتی، رفاه جمعی و دسترسی می‌دانند.^۱ بانک جهانی نیز محرومیت‌زدایی را مترادف با توسعه می‌داند^۲ و اصولاً آنچه در مقوله‌های مربوط به توسعه مورد موافقت صاحب‌نظران است در محتوا چیزی جز محرومیت‌زدایی در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، فنی و سیاسی مناطق عقب‌مانده نیست.^۳

به عبارت دیگر، چنان‌که از محتوای عبارات مربوط به توسعه برمی‌آید، هدف از توسعه را برطرف نمودن عدم تعادل‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی بین جوامع محروم و برخوردار در سطوح ملی، منطقه‌ای و محلی می‌دانند.^۴ گروهی نیز محرومیت را کمبود و یا فقدان نیازمندی‌های خانوادگی، اجتماعی و دسترسی در جوامع تعریف کرده‌اند.^۵

بعضی محرومیت‌زدایی را در مناطق روستایی از طریق توسعه کشاورزی مناسبترین راه می‌دانند^۶ و بعضی طرق اقتصادی - اجتماعی را برای رفع محرومیت از جوامع فقیر پیشنهاد

⇒ قلم و بیان کوشیده است تا ابعاد مختلف این محرومیت را در مجامع مختلف بویژه در محضر جغرافیدانان ایران تصویر نماید. برای اطلاع بیشتر رجوع کنید به: سفرنامه بشاگرد (۱۳۶۵): بشاگرد، گذری بر محرومیت منطقه (۱۳۶۹): بشاگرد، فقر محیطی یا فراموشی سیاسی (۱۳۷۲): ارزیابی اثرات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی فعالیت کمیته امداد امام خمینی (ره) در منطقه بشاگرد (۱۳۷۲): «زیر چاپ» و ...

در دهه گذشته محرومیت بشاگرد به گونه‌ای بوده که بعضی بر این باور بودند که امکان بازسازی منطقه اصولاً وجود ندارد و بهتر است مردم آنجا را به نقاط مستعد اطراف میناب و یا جای دیگر کوچ دهند (سازمان برنامه و بودجه استان هرمزگان، ۱۳۶۴). اما به هر تقدیر پس از بررسی‌های مختلف تصمیم گرفته شد تا بشاگردیان در بشاگرد باقی بمانند و به محرومیت آنان از طریق روشهای علمی، پاسخی متناسب داده شود.

1- W. Gilg, A., *An Introduction to Rural Development*, University of Exter, 1982.

۲- طرح توسعه روستایی ایران، سازمان برنامه و بودجه، سال ۷۴-۷۵، وابسته به بانک جهانی. مقدمه طرح.

۳- احمد حامد مقدم، «نگرشی بر نظریه‌های نوین توسعه»، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۲۸، بهار ۱۳۷۲.

۴- پاول لاون، «اژل غذا»، پیام یونسکو، شماره ۱۶۸، سال پانزدهم، مهرماه ۱۳۶۴، ص ۳۴.

5- W. Gilg, A., op. cit.

۶- ... توسعه اقتصادی در جهان سوم، ترجمه غلامعلی فرهاد، سازمان برنامه و بودجه، چاپ اول، تهران ۱۳۶۴، ص ۵۷.

می‌کنند.^۷ گروهی دیگر توسعه را در کل مطرح می‌کنند و تأکید خاصی بر مشارکت جوامع روستایی (بدون هیچ پیش شرط) دارند.^۸ برخی نیز آن را از طریق توسعه اجتماعی (توسعه صنعتی - شهری) ممکن می‌دانند؛^۹ اما حرکت ساکنان مرفه‌تر روستایی را در روند توسعه، مغایر با توسعه اجتماعی ذکر می‌کنند. در عین حال وسیله رسیدن به هدف توسعه اجتماعی را تأسیس نهادهای غیر متمرکز در بخشها، مناطق و رشته‌های اقتصادی متفاوت می‌دانند.^{۱۰}

گروه سوم، بویژه در دهه‌های ۱۹۷۰-۱۹۸۰ رفع حداقل نیازهای اساسی جامعه را از مهمترین اهداف توسعه روستایی می‌دانند.^{۱۱} این نظریه برنامه‌ریزان توسعه جهان سوم را در دهه‌های گذشته به سمت ایجاد تأسیسات رفاه جمعی در روستاها هدایت نمود ولی نتیجه موفقیت‌آمیزی به بار نیاورد. نمونه‌های فراوانی از روستاهای کشور خودمان وجود دارد که اکثر تأسیسات رفاه جمعی در آنها ایجاد شده‌است؛ اما مهاجرت ساکنان به خارج از روستا همچون گذشته و حتی با شدتی زیادتر ادامه یافته‌است. عده‌ای دولتها را مسؤول توسعه و محرومیت‌زدایی روستایی می‌دانند و گروهی توسعه مشارکتی را شرط اول توسعه پایدار دانسته‌اند.^{۱۲} این نظریات همچنان در بین طراحان مسائل توسعه روستایی دست به دست می‌گردد؛ در حالی که برای جمع‌کثیری از جوانان و تحصیل‌کردگان کشورهای جهان سوم پرسشهای زیر همچنان وجود دارد:

- توسعه به معنی کاربردی آن چیست؟

- توسعه از کجا و چگونه شروع می‌شود؟

- مسئولیت توسعه با کدام گروه یا سازمان است؟

- پایداری توسعه چگونه حاصل می‌شود؟

و سؤالات پرشمار و گوناگون دیگری که پاسخ به تمامی آنها تنها در عرصه عمل و با توجه به تنوع

۷- احمد حامد مقدم، همان، ۶۵.

۸- آر. بی. میسرا، توسعه روستایی، مسائل و مشکلات، گزیده مقالات، شماره اول، دی‌ماه ۱۳۶۶، مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی وزارت جهاد سازندگی.

۹- سالیما عمر، دموکراسی مشارکتی، تأسیس نهاد و توسعه اجتماعی، سازمان برنامه و بودجه، مجموعه برنامه توسعه ۱۲، ترجمه عباس مخبر، ص ۱۲۸-۱۳۸.

۱۰- سالیما عمر، همان.

۱۱- ویتز، «درسهایی برای آینده»، به نقل از: فصلنامه تحقیقات جغرافیا، شماره ۲۸، بهار ۱۳۷۲.

۱۲- به زیرنویس صفحه ۱ مراجعه شود.

زیربناهای محرومیت و توسعه نیافتگی مناطق محروم قابل دستیابی است و در نهایت به نظر می‌رسد شروع محرومیت‌زدایی در مناطق روستایی طریقی را می‌طلبد که طی آن فهرستی از اقدامات درجه‌بندی شده اما هماهنگ را پیگیری نماید و در تمامی اقدامات مربوط به آن، آحاد جامعه نیازمند روستایی مشارکت داشته باشد؛ از تفکر تا بهره‌برداری و تقسیم دستاوردهای آن.

تحلیل موضوع

در سالهای میانه دهه گذشته در برخورد با موضوع محرومیت و توسعه نیافتگی منطقه بشاگرد؛ به عنوان یک منطقه مستقل جغرافیایی با ویژگیهای خاص آن، پیچیدگیهای زیادی وجود داشت و همان‌گونه که اکثر صاحب‌نظران توسعه توافق دارند، زیربناهای طبیعی، انسانی، اقتصادی، اجتماعی و تاریخی آن یعنی انزوا و دست‌نخورده‌گی کامل منطقه، جلوه‌ای مستقل از دیگر نقاط جهان و حتی مناطق همجوار آن در داخل مرزهای کشور ایران به وجود آورده بود.^{۱۳} به همین دلیل الگوی ویژه‌ای از محرومیت‌زدایی را می‌طلبید که چهارچوب آن ضرورتاً در داخل خود منطقه بایستی جستجو می‌شد. این چهارچوب که با استفاده از طبقه‌بندی ویژه‌ای از سه لایه محرومیت خانوادگی، یعنی نداشتن وسیله امرار معاش؛ محرومیت جمعی یا نداشتن امکانات رفاه اجتماعی و محرومیت دسترسی یعنی نداشتن امکان ارتباط مناسب با دیگر نقاط تنظیم شده بود؛^{۱۴} طی مدت‌ها توقف و بررسی گروهی از صاحب‌نظران در منطقه به همان ترتیب نیز اولویت‌بندی گردید؛ با این تأکید که در رفع این کمبودها، جامعه محلی بایستی همواره در تمامی موارد به عنوان ناظر، ارزیاب، جهت‌دهنده و نیز سرمایه‌گذار حضور فعال داشته باشد. از سوی دیگر رفع این کمبودها نیز در درجه اول بایستی در درون همان جامعه پیگیری می‌شد تا جایی که به قطع وابستگی یکطرفه به بیرون، بلکه به وابستگی متقابل منتهی می‌شد.

در شروع کار (سالهای میانه دهه ۱۳۷۰)؛ محرومیت‌زدایی منطقه شامل ۲۲ رشته فعالیت هماهنگ در ابعاد مختلف خانوادگی، روستایی و منطقه‌ای بود که اجرای آنها با توجه به امکانات و تنگناهای موجود در منطقه، بعضی بیرونی، بعضی درونی و بعضی دیگر دوگانه بود. برخی با استفاده از کمکهای دولتی، بعضی وسیله کمکهای محلی، بخشی از طریق اعتبارات بانکی و بعضی نیز از طریق اعطای نذورات بیرونی انجام می‌شد؛ ولی عموماً محتاج مشارکت محلی مردم منطقه

۱۳- به زیرنویس صفحه ۱ مراجعه شود.

بودند. در نهایت، طی بررسی‌های میان تخصصی، این امیدواری حاصل شد که می‌توان از طریق بعضی طرق حمایتی آهنگ توسعه را در آنجا که به آرامی آغاز و در یک روند تکاملی در روشهای مدیریتی - اجرایی آن را سرعت بخشیده پایدار نمود.^{۱۵}

یکی از شاخه‌های بیست و دوگانه محرومیت‌زدایی بشاگرد، آبخیزداری بود که می‌توانست پاسخگوی بخشی از محرومیت خانوادگی جامعه قرار گیرد و در هماهنگی با سایر بخشها نیز سهم مناسبی در محرومیت‌زدایی منطقه برعهده گیرد. این شاخه و ارتباط آن با سایر بخشهای محرومیت‌زدایی بشاگرد موضوع گزارش حاضر خواهد بود؛ زیرا آبخیزداری و مهار آب و خاک و انجام مشارکتی آن با ویژگیهای اقتصادی، اجتماعی، فنی و فرهنگی منطقه سازگاری تاریخی داشت. از طرف دیگر با فعال شدن شاخه آبخیزداری و ایجاد اشتغال و درآمد حاصل از آن برای خانوارها، هم نیازهای جدید مطرح می‌شد، هم امکان تحوّل در دیگر زمینه‌های توسعه منطقه را فراهم می‌نمود. به همین جهت، با سرعت مورد استقبال مردم بومی واقع شد. اساس تمدن و سکونت در منطقه بشاگرد نیز از گذشته‌های دور تاکنون برپایه مهار آب و خاک در سرشاخه‌های رودخانه‌های جگین، گابریک، مازابی و ... استوار بوده است.^{۱۶} اما اهداف آبخیزداری و الگوها و روشهای آن در بشاگرد، بدان گونه که در متون موجود مربوط به آبخیزداری مندرج است تنظیم نشده بود؛^{۱۷} بلکه به صورتی مطرح می‌شد که؛ اولاً برنامه‌ریزی جامع توسعه منطقه را پشتیبانی نماید، ثانیاً با سنن تاریخی، قومی و باورهای جامعه محلی تطابق داشته باشد، ثالثاً به عنوان ابزاری به نسبت کامل در مسیر توسعه پایدار منطقه مطرح گردد، رابعاً علم و تکنیک را در منطقه ترویج نماید، خامساً آبخیزهای بشاگرد به عرصه‌های تولید مواد خوراکی و مواد قابل عرضه به بازار و تجمع سرمایه خصوصی تبدیل گردد و در نهایت الگوی مشارکتی کارآمدی را در مسیر احیای مناطق مشابه در کشور پایه‌ریزی نماید. بدین جهت در آبخیزداری بشاگرد، سه دسته از اهداف مورد توجه قرار گرفت:

الف) بازسازی طبیعت منطقه.

ب) بازسازی مبانی حیات اقتصادی.

پ) بازسازی مبانی حیات اجتماعی، فرهنگی و فنی منطقه.

۱۵- این مهم بعضی در منابع یادشده در زیر نویس صفحه ۱ آورده شده است، بعضی نیز به گزارشات آینده مکرول می‌شود.

۱۶- احداث خوشابها در سراسر بشاگرد به عنوان مهمترین وسیله مهار آب و خاک در همه جای منطقه متداول است.

۱۷- کلیات آبخیزداری، جهاد سازندگی استان خراسان، مشهد ۱۳۷۰.

الف) بازسازی طبیعت منطقه:

در زمینه بازسازی طبیعت بشاگرد که طی دورانهای گذشته به وسیله جریان سیلاب (سالانه بطور متوسط ۱۰ بار و هربار بین ۷ تا ۱۰ ساعت) به شدت تخریب شده است، اهداف زیر مورد توجه قرار داشت:

- ۱- جلوگیری از فرار آب و خاک،^{۱۸} به هر شیوه و در هر مقیاس.
- ۲- جلوگیری از تخریب طبیعت و دستاوردهای انسانی.^{۱۹}
- ۳- ایجاد تأخیر در تخلیه آبهای حاصل از بارندگیهای سیلابی.^{۲۰}
- ۴- تغذیه مصنوعی منابع زیرزمینی (سفره چشمه ها و چاهها).^{۲۱}
- ۵- امکان ذخیره سازی آبهای هرز رونده.^{۲۲}
- ۶- ایجاد بهره برداری زنجیره ای از آبها (مستقیم و غیرمستقیم).^{۲۳}
- ۷- دائمی نمودن آب سرشاخه های رودخانه ها.^{۲۴}
- ۸- ایجاد مقاومت در مقابل خشکسالیها.^{۲۵}
- ۹- طولانی نمودن عمر سدهای مخزنی آینده.

در منطقه بشاگرد از قدیم الایام شیوه ایجاد خوشاب برای مهار آب و خاک در مقیاسهای مختلف متداول بوده است، به صورتی که شیوه های پیشنهادی در آبخیزداری جدید برای مردم محلی کاملاً آشنا بود. از دیگر سو چون منطقه بشاگرد تحت تأثیر بارندگیهای سیلابی و جنس خاک و شیب زمین در ردیف مناطق خشک و فاقد پوشش گیاهی است؛ با وجود بارندگی به نسبت زیاد (بین ۲۵۰ تا ۷۰۰ میلیمتر به نسبت سالهای مختلف) مقدار درصد بارانی که به مخازن آب زیرزمینی می رسد

-
- ۱۸- ساندرپرستل، آب مایه حیات، ترجمه عبدالحسین وهاب زاده و امین علیزاده، جهاد دانشگاهی مشهد ۱۳۷۳، ص ۱۲.
 - ۱۹- مجله رشد جغرافیا، شماره ۲، سال پنجم، ص ۴۶.
 - ۲۰- آی. آرنون، اصول زراعت در مناطق خشک، جلد اول، ترجمه عوض کورچکی و امین علیزاده، ۱۳۶۵، ص ۱۹۳.
 - ۲۱- پرویز کردوانی، منابع و مسائل آب در ایران، جلد اول، دانشگاه تهران، ص ۱۳۰-۱۳۱.
 - ۲۲- سیدحسن حسینی ابری، «زاینده رود و استفاده از سیلابها و هرز آبهای آن»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان، دوره دوم، شماره دوم، ۱۳۷۲.
 - ۲۳- سیدحسن حسینی ابری، زاینده رود از سرچشمه تا مرداب، نشر گلها، اصفهان ۱۳۷۵.
 - ۲۴- پرویز کردوانی، مناطق خشک، جلد اول، دانشگاه تهران، ۱۳۶۷، ص ۱۲۵.
 - ۲۵- تلفیق ارقام سرشماری عمومی کشاورزی، سال ۱۳۶۷، با آمار نمونه، سال ۱۳۷۱.

ناچیزاست. اراضی آبرفتی وسیعی نیز در منطقه وجود ندارد و عملاً هیچ‌گونه بارندگی به سفره‌آب زیرزمینی نخواهد رسید.^{۲۶} احداث رسوبگیرها و بندهای انحرافی موجب می‌شود که تزریق بارندگی از طریق نفوذ در لایه‌های شستی و آبرفتهای مصنوعی صورت گرفته موجب تقویت آبدهی چشمه‌های گسلی منطقه گردد. انجام روشهای یادشده در مقیاسهای مختلف (کوچک و متوسط) در سرشاخه‌های رودخانه‌ها علاوه بر مهار آب و خاک، قدرت تخریبی سیلابها را نیز در حد وسیعی کاهش خواهد داد.

شکستگی زیاد منطقه و وجود گسلهای کم عمق، این امکان را پدید می‌آورد که با نفوذ دادن آب در هر میزان، مقداری آب نفوذی مجدداً در بستر رودخانه ظاهر شود و امکان استفاده مجدد از آن را فراهم آورد و همین شیوه نیز موجب شد تا با انجام تعداد متناسبی از سازه‌های آبی، جریان آب در سرشاخه رودخانه‌ها دائمی گردد.

طبیعی است که با ایجاد تأخیر در تخلیه آب از منطقه و به چرخه درآوردن آب، از شدت خشکسالیها نیز کاسته شده و در صورت امکان ذخیره‌سازی این آبها تضمین بیشتری در مقابل تأخیر در بارندگی منطقه ایجاد خواهد کرد و در نهایت با جلوگیری از تخریب سیلابها، در صورتی که سدهای ذخیره‌ای در منطقه احداث شود، عمر مفید آن سدها نیز طولانی‌تر خواهد شد. در حقیقت در منطقه بشاگرد پیش از سدسازی آبخیزداری شروع شده است و طریق صواب نیز همین است. در خمینی شهر بشاگرد با انجام اقدامات فیزیکی آبخیزداری، در منطقه‌ای با وسعت ۱۰ کیلومتر مربع، امکان بهره‌برداری حدود یک میلیون متر مکعب آب بدون رسوب فراهم شده و بهره‌برداری از آن آغاز شده است (گزارش اثرات کمیته امداد در بشاگرد، جلد دوم).

ب) ایجاد تحوّل در مبانی حیات اقتصادی منطقه:

اساس محرومیت‌زدایی در همه منابع مربوط، بر تأمین اشتغال و درآمد پایه‌ریزی شده است. در بشاگرد نیز ضمن پیگیری همین اهداف به دلایلی که در منابع مربوط آمده است، تأمین خوراک مناسب برای اهالی به عنوان اولین هدف مورد توجه قرار گرفته و سایر اهداف اقتصادی هماهنگ با هدف اولیه طرح‌ریزی شد. زیرا جمعیت ۷۵ هزار نفری بشاگرد با تنها ۲۳ هکتار زمین (سرانه کمتر از یک متر مربع) در گرسنگی مزمن بسر می‌برند و تأمین خوراک شرط اول هر نوع تفکر در امر توسعه

۲۶- ژورناله کاسترو، ژئوپولیتیک گرسنگی، به نقل از عباس سعیدی رضوانی (گزیده مقالات) مشهد. آستان قدس

منطقه به شمار می‌رود. دستیابی به خوراک کافی یا به نسبت کافی برای این جمعیت نیز مستلزم تضمین آب کافی برای کشاورزی موجود، افزایش سطح زیرکشت، بهبود در شرایط بهره‌برداری از واحد سطح و افزودن توأمان بر زمینه‌های تولید کشاورزی و فرآورده‌های دامی منطقه است. زیرا با وجود این که شیوه اصلی معیشت اهالی همزمان با کشاورزی و تولید نخل، دامداری و بزداری است، دامداری نیز با سرانه یک رأس بز فاقد امکان تعریف کافی و مبتلا به بیماریهای دامی است (آمار نمونه). از طرف دیگر، کشاورزی بدون دامداری به دلایل مختلف امکان‌پذیر نیست. لذا ایجاد تحوّل در مبانی حیات اقتصادی بشاگرد، لزوماً می‌باید به امر دام و دامداری نیز توجه نماید. بدین لحاظ در آبخیزداری منطقه اهداف زیر مورد توجه ویژه قرار داشت:

- ۱- تأمین خوراک کافی برای اهالی از طریق: الف) تضمین آب مورد نیاز کشاورزی موجود، ب) ایجاد عرصه‌های جدید کشاورزی، اعم از زراعت آبی، باغات، نخلستانهای دیم.^{۲۷}
- ۲- افزایش تولید در واحد سطح.^{۲۸}
- ۳- تأمین آب برای مصارف مختلف با جریان ثقلی.^{۲۹}
- ۴- احیای مراتع و توسعه کشت علوفه.^{۳۰}
- ۵- تضمین دامداری موجود و توسعه دامپروری در منطقه.^{۳۱}
- ۶- تقویت بنیه مالی ساکنان.

هریک از موارد یادشده مباحث و استدلالهای مختلفی را می‌طلبد که از گنجایش این مقاله خارج است؛ لذا برای بررسی دلایل یادشده به منابع مربوط اشاره شده است.

پ) ایجاد تحوّل در مبانی حیات اجتماعی منطقه:

قبل از آغاز فعالیت محرومیت‌زدایی در منطقه بشاگرد، مبانی حیات اجتماعی منطقه نیز

۲۷- خدابخش ملکی‌زاده، «امکانات کشاورزی شهرستان طبرستان»، مجله رشد جغرافیا، سال ۵، شماره ۲، زمستان ۱۳۶۷.

۲۸- ...، برنامه‌ریزی و توسعه، مبانی سیاست اقتصادی، ترجمه مجید آرائی نژاد، امیرکبیر، تهران ۱۳۷۰، ص ۱۲۱.

۲۹- سیدحسن حسینی ابری، ارزیابی اثرات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، فعالیت کمیته اسداد امام (ره) در منطقه بشاگرد، جلد دوم، زیرچاپ، ص ۲۰۱.

۳۰- مجید مخدوم، شالوده آمایش سرزمین، دانشگاه تهران، ۱۳۷۲.

همپای دیگر زمینه‌های زندگی بکر و دست‌نخورده و در نهایت بدون تحرک باقی مانده بود و طبعاً کمبودهای فراوانی از قبیل کمبود خوراک، فقر مالی، نظام طبقاتی (کاستی)، فقدان هرگونه ابزار و مهارت، نبود خدمات زیربنایی و ... به گونه‌ای بود که آن منطقه را در مقایسه با روستاهای اکثر مناطق به نسبت برخوردار مملکت قرن‌ها عقب‌مانده‌تر می‌نمود. این کمبودها بدانسان بود که به نظر می‌رسید، اولین قدم توسعه را در منطقه با مشکلات فراوان روبرو خواهد ساخت.^{۳۲} به همین دلیل در اقدامات آبخیزداری بشاگرد همراه با ضرورت تأمین خوراک برای اهالی موارد زیر به عنوان اصول بنیانی مورد توجه قرار گرفت:

- ۱- تقویت مبانی اندیشه سازنده در بین ساکنان.^{۳۳}
- ۲- بازگرداندن امیدواری و باور به امکان احیای منطقه در جامعه ساکن و دست‌اندرکاران برنامه‌ریزی امور منطقه.^{۳۴}
- ۳- انتقال دانش و فن به منطقه.^{۳۵}
- ۴- ایجاد زمینه‌های مشارکت در بین جامعه محلی.^{۳۶}
- ۵- ایجاد زمینه‌های متنوع اشتغال در منطقه.
- ۶- تثبیت جمعیت در منطقه.^{۳۷}
- ۷- بازگرداندن مهاجران از منطقه و سرمایه‌های آنان.
- ۸- تقویت موقعیت استراتژیک منطقه.^{۳۸}

اهداف یادشده بعضی اهداف کلی و عمومی و از جمله بیشتر اهداف طبیعی آبخیزداری است که کم و بیش در همه آبخیزها لزوماً مورد توجه آبخیزداران قرار می‌گیرد؛ اما اهداف انسانی و اقتصادی موردنظر برنامه‌ریزی در آبخیزداری بشاگرد، بعضاً اهداف خاص بشاگرد و مناطق مشابه بود

32- Kosta Mihmil Oc, *Regional Development*, Belgrade, 1986, vol. 4, p. 157.

۳۳- قرآن کریم، سوره ۱۳، آیه ۱۱.

۳۴- ... برنامه‌ریزی و توسعه، مبانی سیاست اقتصادی، ترجمه مجید آرائی‌نژاد، ص ۸۵.

۳۵- سیدحسن حسینی ابری، تعاون سنی، الگوی تحول روستا، گزارش سومین کنفرانس مشارکت، جهادسازندگی شیراز، ۱۳۶۴.

۳۶- ... برنامه‌ریزی و توسعه، مبانی سیاست اقتصادی، ترجمه مجید آرائی‌نژاد، ص ۹۵.

۳۷- نعمت‌الله تقوی، مبانی جمعیت‌شناسی، چاپ دوم، نشر نیا (نیمای سابق)، ۱۳۷۲، ص ۱۴۲.

۳۸- حسین شکونئی، فلسفه جغرافیا، تهران ۱۳۶۴، ص ۲۴۳.

که عملیات اجرایی بدون توجه به آن اهداف، قادر نیست مشارکت صاحبان آبخیز را جلب کند و انگیزه جنب و جوش و سرمایه‌گذاری را در آنان ایجاد نماید. به همین دلیل چند نکته اساسی که در آبخیزداری روالی کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد و در نتیجه اقدامات مربوط را از فایده می‌اندازد، در این عملیات به عنوان اصول کار محسوب می‌شود؛ از جمله:

۱- موضوع مالکیت آبخیزها

آبخیزها در کشور ما از قدیم‌الایام هرچند براساس عرف، در مالکیت خصوصی ساکنان آنها قرار داشته‌است، خواه به صورت چراگاه، یا به صورت درختزارها و یا در شکل عرصه جمع‌آوری گیاهان دارویی و صنعتی، رزینها و اشکال دیگر. اما در برنامه‌های آبخیزداری این شکل از مالکیت علاوه بر این که اصولاً مدنظر قرار نمی‌گیرد، مخلّ حفاظت اکوسیستم انگاشته می‌شود.^{۳۹} در صورتی که هرگاه مشارکت ساکنان حوزه‌های آبخیز در عملیات اجرایی ملحوظ شود باید دانست که این مشارکت به انگیزه نفع است، خواه اقتصادی، خواه اجتماعی و خواه معنوی. بطور طبیعی می‌توان انگیزه نفع اقتصادی (ملموس و زودبازده) را در اولویت اول جستجو کرد.^{۴۰}

در بشاگرد برای صاحبان آبخیزها، انگیزه مالکیت بر اراضی، اشتغال، درآمد، تولید خوراک و برای خدمتگزاران بشاگرد که از دیگر نقاط مملکت به بشاگرد می‌آمدند، انگیزه نفع معنوی و مشارکت در امر خیر، برای متخصصان ارضای روانی و افزودن بر دانسته‌ها و برای آنان که نیازمند به تأمین معاش خود بودند، بندرت کسب دستمزد، در ردیف مهمترین انگیزه‌ها قرار می‌گرفت. در نتیجه هر فرد بشاگردی علت مشارکت خود در آبخیزداری را در کسب معاش و مالکیت خود می‌دانست.

۲- تأمین اعتبارات به صورت مشارکتی

طبیعی است که در کلیه اقدامات آبخیزداری تحت تأثیر نیاز به اقدامات سازه‌ای، نیاز به سرمایه و ابزار سرمایه‌بر وجود دارد. در بشاگرد نیز هرچند اتکای برنامه بر انجام سازه‌های کوچک و متوسط مقیاس همراه با حداکثر استفاده از امکانات محلی بود، لکن به علت نیاز به امکانات فنی و پرداخت دستمزد برای کارهای مهارت‌پذیر و نیز تأمین ابزار و بعضی مصالح ساختمانی که امکان تأمین آنها در منطقه وجود نداشت، تأمین اعتبارات مالی امری اجتناب‌ناپذیر بود. این ابزار به صورت ماشین‌آلات مستقر در کمیته امداد به صورت اقدام حمایتی و یا نوعی سیستم سهم‌بری از

۳۹- مجید مخدوم، شالوده‌آمایش سرزمین، دانشگاه تهران، ۱۳۷۲.

۴۰- سیدحسن حسینی ابری، بررسی اثرات کمیته امداد در بشاگرد، جلد سوم.

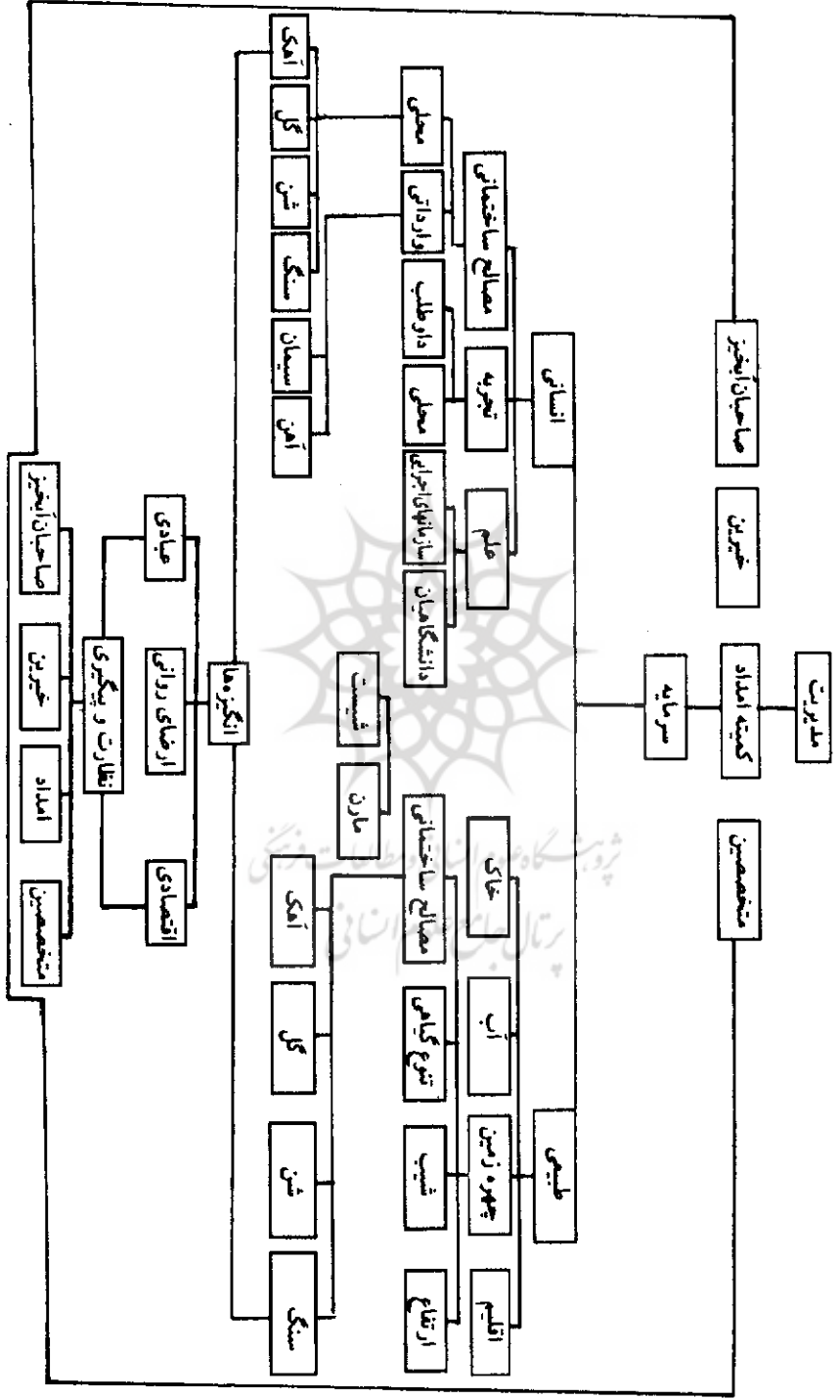
عرصه‌های جدید دراختیار صاحبان آبخیز قرار داده می‌شد.^{۴۱} اما اعتبارات ریالی عموماً از طریق اعطای وام‌های قرض‌الحسنه با بازپرداخت از طرق مختلف بویژه از فروش مازاد تولیدات زراعی و باغی تأمین می‌شد. پس از گذشت سه سال از آغاز اقدامات شاهد و تعمیم یافتن اقدامات آبخیزداری، بانک کشاورزی نیز در اعطای وام به آبخیزداران مشارکت نمود.

نکته مهم این که در اکثر برنامه‌های محرومیت‌زدایی بشاگرد، سرمایه‌گذاری خصوصی اهالی هرچند در حد محدود، به عنوان عامل اصلی مورد نظر برنامه‌ها بود و استفاده از اعتبارات دولتی مگر در اقدامات کلان و دیربازده در محاسبات قرار نداشت و البته هنوز هم به همان گونه است.

۳- سازمان اجرایی

از آنجا که تقویت محرومان روستایی علاوه بر استفاده از فرایند سازمانی می‌تواند از طریق تشویق مشارکت مردمی و سازمان‌دهی در بین خود آنان تسهیل شود (بانکوک ۱۹۸۸)، در آبخیزداری بشاگرد سازمان اجرایی در ابتدا عبارت بود از ترکیبی از نیروهای حمایتی و صاحبان آبخیزها. این فرایند در آغاز به عنوان بازوی محرکه برای کلیه امور از جمله اقدامات آبخیزداری فعالیت می‌نمود؛ اما به مرور زمان و همراه با توسعه و تنوع این اقدامات، در هریک از حوزه‌های روستایی منطقه، سازمانهای مورد نیاز براساس سنتهای محلی از بین صاحبان آبخیز شکل می‌گرفت تا جایی که پس از گذشت سه سال از شروع عملیات، سازمان اولیه نقش اصلی خود را از دست داد و تنها به امر پشتیبانی برای تأمین بعضی از ابزار کار از جمله سیمان، اعتبارات قرض‌الحسنه و در مواقع ضروری کرایه دادن بعضی ماشین‌آلات اکتفا می‌کرد. علاوه بر این، براساس برنامه‌ریزی اولیه، همانند سایر برنامه‌های محرومیت‌زدایی بشاگرد، به موازات موفقیت و همه‌گیر شدن اقدامات، کار آبخیزداری نیز به مسؤولان اصلی آن (جهاد سازندگی مستقر در خمینی‌شهر بشاگرد) واگذار گردید؛ زیرا اساس تفکر محرومیت‌زدایی در بشاگرد راه‌اندازی کارها و واگذاری آن به مسؤولان مربوطه بود. مثلاً با راه‌اندازی در مانگه خمینی‌شهر، ادامه فعالیت آن به وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی واگذار شد. مدارس به آموزش و پرورش، راههای منطقه‌ای به وزارت راه و ترابری، سوخت‌رسانی به وزارت نفت، راههای روستایی به وزارت جهادسازندگی و ... به همین دلیل نیز آبخیزداری به جهادسازندگی واگذار گردید.

سازمان مدیریت آبخیزداری بشاگرد



نتیجه

حرکت آبخیزداری مشارکتی در بشاگرد، تحت تأثیر توجه به ویژگیهای اقتصادی، اجتماعی جغرافیایی و تاریخی منطقه و اتکا به تجارب و ضرورت‌های سنتی منطقه و تلفیق آن سنتها با علم و تکنولوژی جدید، الگوی خاصی یافت که برنامه‌ریزان آن در ابتدای کار حتی قادر به تصور تمام و کمال آن نبودند. یعنی علاوه بر تأمین اهداف ازپیش تعیین شده، در دیگر ابعاد توسعه منطقه نیز آثار خود را برجای گذاشت. از جمله براساس ارزیابی انجام شده تولیدات محصولات باغی منطقه را طی مدت هفت سال بعضاً تا ۱۰۰٪ افزایش داد. سازمان اجرایی محلی پایداری ایجاد کرد. تخصصی موردنیاز اولیه در حد بالایی جای خود را به تجربه محلی داد. به عبارت دیگر دانش تخصصی و مهارت آبخیزداری تا حد زیادی متکی بر شیوه‌های مدیریت سنتی منطقه و تأکید بر الگوی نسق روستایی موجود در بشاگرد بود و تا حد زیادی تکرار تجاربی محسوب می‌شد که در آغاز کار از بیرون منطقه و به صورت داوطلب در بشاگرد حضور می‌یافت اما کم‌کم تبدیل به تجارب محلی شد و همراه با پیشرفت کار، نیروهای فنی موردنیاز را از بین مردم محلی تأمین کرد. در مسئولین اعتباری بانک کشاورزی ایجاد باور کرد. راههای دسترسی روستایی را تکمیل کرد. زیرا برای انتقال مصالح ساختمانی و ابزار کار به محلهای تعیین شده ضرورتاً آن راهها باید ایجاد می‌شد و فنون جدید با سرعت موردقبول و تأیید مردم محلی واقع شد و آنان به زودی قادر شدند تا طریقه استفاده از ابزار جدید را بیاموزند و در تکرار اقدامات مهار آب و خاک که توسط پدران و خود آنان با ابزار سنتی انجام می‌شد، با ماشین‌آلات جدید و مصالح ساختمانی و نیز طرح و نقشه‌ای که طی تجارب جدید آموخته بودند موفقیت‌های تحسین‌برانگیزی از خود نشان دهند. حتی ترکیب تجارب آنان با دانش آبخیزداری جدید ابواب تازه‌ای در جهان‌بینی آبخیزداری کلاسیک گشود و این باور را ایجاد کرد که با تلفیق تجارب آبخیزداری در بشاگرد با ویژگیهای مناطق مختلف می‌توان آبخیز سدهای بزرگ را نیز به مراتب سریعتر و باورکردنی‌تر از آنچه درباره آنها اندیشیده می‌شود، مدیریت نمود.

نذورات و صدقات شیوه عرفی خود را به نذورات در بخش آبخیزداری در بشاگرد تبدیل کرد. نظام کاستی منطقه کم‌کم رنگ باخت و سرمایه‌گذاری در مسکن جای خود را به سرمایه‌گذاری در احیای منابع آب کشاورزی داد.

الگوی کشت میوه‌جات قابل نگهداری (لیموترش و خرما) به الگوی متنوعی از مرکبات اصلاح شده و صادراتی بدل شد، کشت صیفی و سبزی برای مصرف خانوار جای خاصی پیدا کرد. در زمان نوشتن این گزارش روزانه بطور متوسط ۵۰۰ نفر در صف درخواست خرید سیمان و کرایه ماشین‌آلات برای احداث رسوبگیر، بندهای انحرافی و استخر آب کشاورزی قرار دارند. امید است این الگوی مشارکتی که برگرفته شده از سنن مدیریت منابع طبیعی تجدیدپذیر کشور ماست و ریشه در طومار شیخ بهایی (طومار تقسیم آب زاینده‌رود) دارد در دیگر نقاط کشور، بویژه در آبخیز سدهای بزرگ گسترش یابد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی